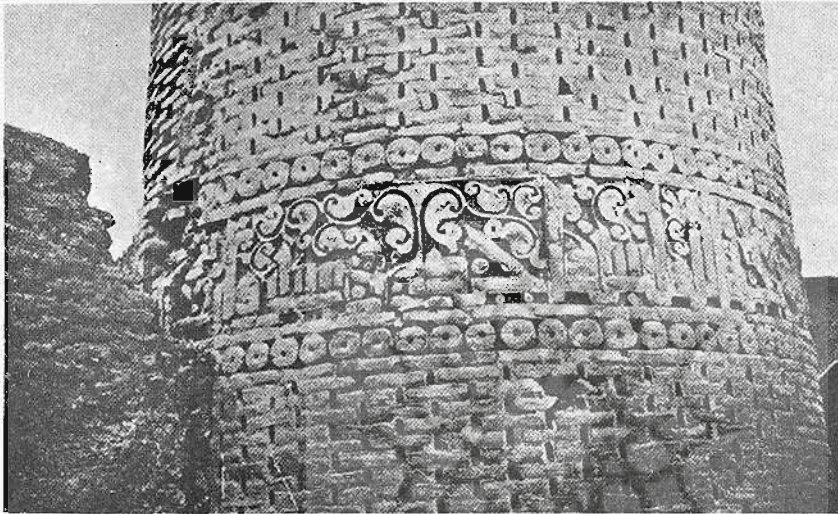


کتابت *

ترجمه ناصر نوروز زاده چگینی



ایران - زواره ، کتیبه مناره ، مورخ ۴۶۱ هـ / ۹ -
۱۰۶۸ میلادی ، «سنة احدا وستين واربعائه» ، کوفی
گلداز (عکس از آثار ایران ، جلد اول ، ۱۹۳۶ ، ۳۰۹) .

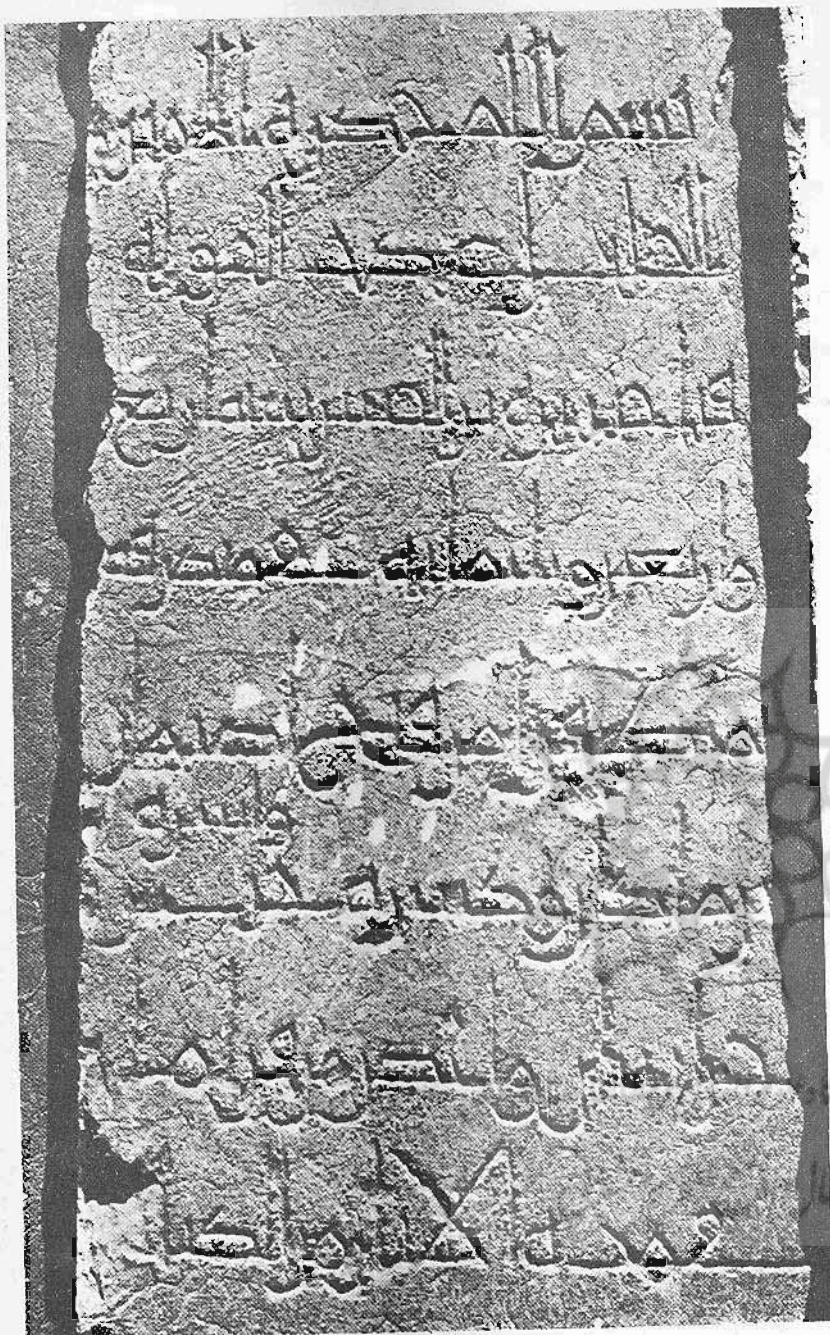
در نوع شکسته کتابی، قرنهای در دوره اسلامی به کار گرفته می شد و ابزاری بود برای هرآنچه که زردشتیان می نوشتند. این

* این مقاله توسط دکتر ا. دی. اچ. بیوار (Dr. A.D.H. Bivar) ، استاد مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن، نوشته شده و در دایره المعارف اسلام، سری جدید، به چاپ رسیده است. موضوع کلی بحث «کتابت» است که بخش ایران و ماوراء النهر آن به عهده نویسنده مذکور بوده است.

مورد بحث ماست و نه ترکی رونی شرق ترکستان و خط کشیده ناخوانای کوشانی دشت ناور.

علاوه بر نوع کم شناخته شده ای از خط معمول درمازندان، خطوط پارتی و سغدی و خوارزمی به نخستین گروه، یعنی مشتقهای آرامی، تعلق داشتند. رسم الخطهای سغدی و خوارزمی تا دوره اسلامی به حضور دوباره خود در روی سکه ها ادامه دادند. که از آن میان خط پهلوی ساسانی پایدارتر بود و

سرزمین ایران و ماوراءالنهر، از مدتهای مدیدی قبل از ظهور اسلام، مکتب خاصی از رسم الخط داشت. از یک طرف در قرون چهارم و پنجم میلادی، دستخطهای گوناگونی وجود داشت که از خط آرامی شاهی مورد استفاده در دوایر دولتی هخامنشی جدا شده بود. در این خطوط، بیشتر املاهای تاریخی لغات ایرانی به کار می رفت و اصل علایم که ریشه سامی داشت به آن اضافه می شد؛ لیکن حروف الحاقی (معروف به مکمل صوتی) جهت صرف کلمات استفاده می شد. از طرف دیگر، خط شکسته باختری که شکل تحریف شده الفبای یونانی است، در منطقه بلخ، تخارستان و رنج معمول بود و مانند نیای خود، برای لهجه ایرانی، املاهای صوتی ساده را به کار می گرفت. این رسم الخط تا ظهور اسلام، روی سکه های معروف به عرب-هپتالی حفظ شد. قبلا کم و بیش الفبای خروشتی و حتی برهمی، در بین گروههای بودایی شناخته شده بود، لیکن نه این الفبا در اینجا



بصری و کوفی، چهارنوع اولیه
 رسم الخط عربی بوده‌اند. اساس
 واقعی این اختلاف هنوز بر محققین
 عصر حاضر مشخص نیست.
 محققینی که برای همه «خط -
 بنایی»ها، خطهای گوشه‌دار و
 خطهای معمولاً بی نقطه عربی
 که در نوشتن قرآنها و کتیبه‌ها و

ایران - پرسپولیس، کتیبه
 عضدالدوله دیلمی در تجرا، مورخ
 ۳۴۴ هـ / ۶ - ۹۵۵ میلادی، کوفی
 ساده.

رسم الخط، به خصوص به همراه
 مترادف عربی خود، در کتیبه‌های
 دو زبانۀ رادکان (در نکا) و لاجیم
 ورسکت (در ناحیۀ شمالی بحر خزر)
 دیده می‌شود و شاید این تنهاروش
 نوشتن زبان فارسی در قرون اولیه
 اسلامی باشد. تا زمان حجاج
 (۶۷۶ هـ / ۶ - ۶۹۵ میلادی)، خط
 پهلوی به عنوان رسم الخط دیوانی
 سرزمینهای خلافت شرقی به کار
 می‌رفت. حجاج (بنابر تأکید
 القلقشنندی در صبح الاعشی)،
 خط دیوانی سرزمین عراق را تغییر
 داد و دیگر نواحی شرق ایران نیز،
 به دنبال آن، این تغییر را معمول
 داشتند. در سال ۸۴ هـ (۴-۷۳
 میلادی)، کتابت پهلوی و خط
 شکسته باختری در کنار خط
 عربی، روی سکه‌های یزیدین -
 المهلب، در گوزگان افغانستان،
 پدیدار شدند. خط سغدی و خوارزمی
 روی سکه‌های بخارا و خوارزم و
 رسم الخط پهنوی کتابی روی
 سکه‌های طبرستان، تا زمان خلافت
 عباسی، مورد استفاده قرار می -
 گرفتند. گذشته از اینها، به استثنای
 سکه‌های ضرب مرو، به سال ۷۹ هـ
 (۹ - ۶۹۸ میلادی)، که روی
 آنها دارالضرب (یعنی مرو) به
 پهلوی نوشته شده، تمام سکه‌های
 دوره اصلاح اموی و دیگر سکه -
 های اسلامی که بعداً معمول
 شدند، دارای رسم الخط عربی
 هستند.

بنا بر گفته ابن الندیم در
 الفهرست (چاپ فلوگل، ص. ۸۰)،
 رسم الخطهای مکی و مدنی و



ایران - رادکان (نکا) ، استان مازندران ، مقبره محمد بن وندارین ۴۰۷ تا ۴۱۱ هـ / ۱۷ - ۱۰۱۶ تا ۲۱ - ۱۰۲۰ ، کوفی خممدار « و فرقی سنه سنة احدا عشر و اربعمائه من الهجرة » .

شامل تعدادی لغات فارسی است* . در حوالی کتیبه عضدالدوله ، کتیبه بهاءالدوله ، مورخ ۳۹۲ هـ . (۲ - ۱۰۰۱ میلادی) ، قرار گرفته است . کتیبه دره توجی در وزیرستان ، که در حال حاضر در موزه پشاور نگهداری می شود ، در واقع قدیم ترین کتیبه موجود در ایران و افغانستان و تاریخ آن جمادی الاول سال ۳۴۳ است .

به نظر می رسد که در اینجا نامی از سرزمین عمان به میان آمده باشد که با تاریخ اولیه آن ، شاید رابطه ای با حکومت خوارزم در گردیز داشته باشد و به قول تاریخ سیستان ، کنترل خلیفه عباسی در این تاریخ نمی توانسته است تا این منطقه گسترش داشته باشد .

شکلتهای تزیینی رسم الخط

۱ - بامقدم ، « قلعه سنگی یا دژ بهمن » ، آینده ، سال هشتم ، شماره ۱۰ ، بهمن ۱۳۶۱ ، صفحات ۸۹ - ۷۸۰ .

* R.N. Frye, The Heritage of Persia, London 1962, 251, 290, with fig. 63.

نزدیک مرزین استان فارس و اصفهان ، واقع شده اند . در واضح ترین آنها این چنین منظور است : « اماره خازم بن محمد بن جابه (؟) سنة خمس وستین و مائین » و در یکی دیگر تولد فردی به نام « محمد بن یوسف بن خازم ، به روز دوشنبه ، ۲۷ شعبان سال ۳۰۹ هـ . » دیده می شود . در همین محل ، کتیبه ای فرسوده به خط پهلوی کتابی و تعداد دیگری از کتیبه های کوتاه عربی موجود است . فهرست قابل توجهی از کتیبه های عربی شناسایی شده ایران تا سال ۶۰۰ هـ . (۱۲۰۳ - ۱۲۰۴ میلادی) ، توسط مایلز (G. C. Miles) به چاپ رسیده است . قدیم ترین آنها کتیبه های عضدالدوله فنا خسرو دیلمی در تچرای تخت جمشید به چاپ رسیده است که در آنها از شکست محمد بن ماکان ، در صفر ۳۴۴ هـ . (۹۵۵ میلادی) و علاقه امر به ایجاد این کتیبه ، یاد می شود . یکی از این متون ،

روی سکه ها استفاده می شده ، اصطلاح کوفی را (متضاد با الكوفی ابن الندیم) به کار می گیرند . از مطالعه خطوط روی سکه های دوره اصلاح اموی ، پنج نوع مختلف رسم الخط را می توان مشخص کرد . اول خط روی سکه های دمشق و دارالضریبهای مربوط به آن ، دوم نوشته های اولین سکه های شهرهای ایران اسلامی ، سوم خطی که در « واسط » به همراه نوع متحول ایرانی استفاده می شد ، چهارم نوع سیستانی که رشد قابل ملاحظه نداشت و پنجم خط نازک و ظریفی که روی سکه های اواخر دوره اموی و دوره انقلابی حکومت عباسی به کار می رفت .

گذشته از متن روی سکه ها ، کتیبه های عربی تاریخداری که تا کنون در ایران مورد شناسایی و مطالعه قرار گرفته اند ، به طور شگفت آوری جدیدند . قدیم ترین آنها کتیبه هایی چاپ نشده اند که در محلی به نام بهمن دژ ،

عربی نیز در نواحی شرق خلافت اسلامی، به موازات خود رسم الخط، بسیار دیر ظاهر شد. در متن کتیبه عضدالدوله، چیزی جز نوعی آویختگی گاه به گاه حروف آخر کلمات دیده نمی شود و حروف به وسیله حلقه هایی کوچک در پایین نوار اصلی به هم می پیوندند. به نظر می رسد که تزئین جزء آخر کلمه ابتدا در مصر شکل گرفته و سپس به سرعت تزئینات گیاهی را به همراه آورده باشد (در اینجا، تزئین گیاهی، علاوه بر استفاده از گلهای زینتی دایره شکل متصل یا منفصل، استفاده از برگهای متصل و در عین حال طولی است که به کلمه می پیوندند). این ترکیبات، بنا به

گفته گرومن (A. Grohmann) از سال ۲۱۵ ه. در مصر شناخته شده و سپس روانه شرق سرزمین اسلامی گردیده است و این بر خلاف عقیده فان برکم (Van Berchem) است که از بررسی کتیبه تعمیر شده تاشکند، این نفوذ را از شرق به غرب می داند. تزئین شاخ و برگ در خط کوفی را که گرایش به آرایش با گل دارد، می توان در کتیبه مسجد جمعه نایین، احتمالاً قرن ۴ ه. (۱۰ میلادی)، مشاهده کرد. اولین نمونه مورخ کتیبه های گلدار، در کتیبه های بدر بن حسویه، فرماندار کردستان و لرستان ظاهری می شود. یک مورد که متشکل از دو کتیبه همسان است، در دو طرف

پل مامولان، حوالی خرم آباد تعبیه شده و دیگری کتیبه بنای پل کشکان است به تاریخ ۳۹۹ ه. (۹-۱۰۰۸ میلادی). نوع بسیار زیبایی کوفی گلدار را می توان در مناره مسجد پامناز در زواره، ۴۶۱ ه. (۹-۱۰۶۸ میلادی) و برج مقبره هرزدیاری در رسکت مازندران ناظر بود. بنا بر خواندن نامطمئن از تاریخ کتیبه سزور، آندره گدار آن را به قرن ۵ ه. (۱۱ میلادی) نسبت داده است، اما خط کلفت و سنگین و در عین حال گلدار کتیبه، شباهت بارزی به رسم الخط سکه های خوارزمشاهی قرن ۶ ه. (۱۲ میلادی) دارد و به هر حال آخرین کلمات کتیبه نیز نمی تواند برای

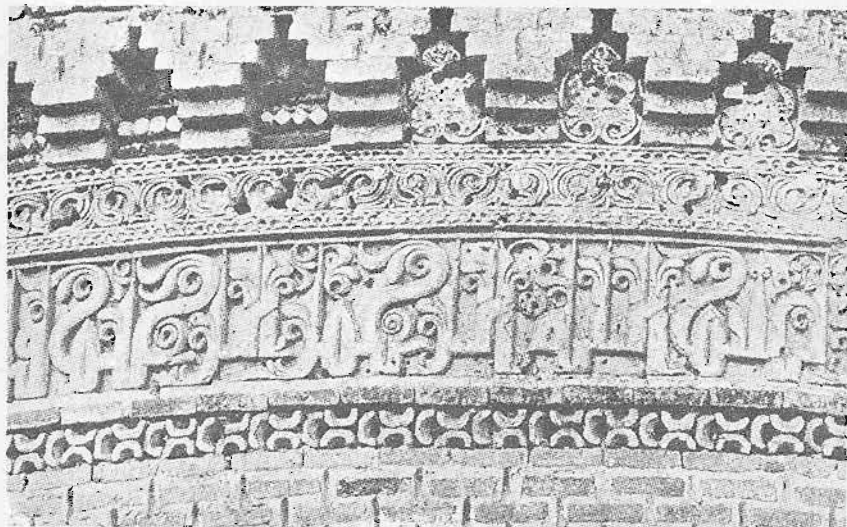
ماوراءالنهر - سوزه تاشکند، کتیبه ماسون بن ماسون از اوزگنج، ۴۰۱ ه. / ۱۰۱۰-۱۰۱۱ میلادی، کوفی ساده خوارزمی.



در موزه تاشکند نگهداری می‌شود. سینی نقره‌ای که توسط اسمیرنوف (V. I. Smirnov) معرفی شده و در کتیبه آن از مالک سینی به نام تاج‌الاسم و سراج‌المله، خوارزم‌شاه بن ابراهیم یاد می‌شود، می‌تواند با کتیبه مأمون بن مأمون مقایسه شود. کمی به طرف غرب، در قلمرو حکومت زیاری، کتیبه بی‌آرایش و ساده ولی در عین حال شکوهمند گنبد کاوس، مورخ ۳۹۵ هـ. (۱۰۰۴ - ۱۰۰۵)

(میلادی)، دیده می‌شود. نمونه‌های ساده‌ای از این قبیل، در آجر - کاری بیشتر مناره‌ها و گنبد های دوره سلجوقی ایران به کار گرفته شده است. برای مثال باید از کتیبه نظام‌الملک، بانی شبستان جامع اصفهان و کتیبه سلطان محمد بن ملک‌شاه در گلپایگان نام برد که در آنها، حروف در شکل ساده و کشیده خود دیده می‌شوند.

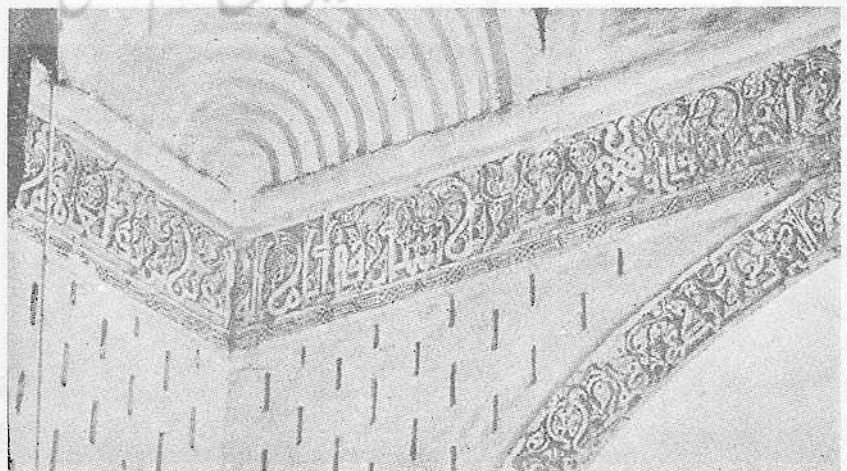
به هر حال ماجراجویانه‌ترین تحول خط، در سرزمین سامانی ماوراءالنهر و خراسان صورت گرفت که بدون شک تحت تأثیر ساخت کاغذ قرار داشت که هم برای تحول خط و هم برای کاتبان، محرکی به شمار می‌آمد. در سفالهای پوشش لعاب‌گلی نیشابور، نوشته‌های زیبایی به رنگ سیاه یا شکلاتی روی زمینه مات دیده می‌شود و به دنبال آن، نوع کوفی درهم و خم‌دار رایج می‌شود و بدین لحاظ، در غیاب اشیاء بی تاریخ، طبقه‌بندی این سفالینه -



ایران - رسکت . مقبره هرمزدیار ، کتیبه سردر ورودی ، کوفی گلداز مؤخر ، قرن ششم هـ / ۱۲ میلادی ، «بسم الله الرحمن الرحيم» .

افغانستان - سرپل ، مقبره یحیی بن زید معروف به امام خرد ، اواخر قرن پنجم هـ / یازده میلادی ، کوفی گلداز و خم‌دار ، «... بن - احوزفی ولایت نصرین سیارفی ایام الولید بن یزید لعنهم [الله]» .

تاریخگذاری آن در نظر گرفته شود. در واقع تحول هنری در خوارزم آن‌چنان نبوده است که در آن دوره، رسم الخطی آراسته داشته باشد. در این خطه، در قرن ۵ هـ. (۱۱ میلادی)، سبکی ساده و ظریف معمول بوده که در آن تنها پیچهای بسیار شدید حروفی مثل ج، ح و خ طبیعی نمی‌نموده است. کتیبه سنگ بنای مناره اورگنج یا گرگانج، توسط مأمون بن مأمون، مورخ ۴۰۱ هـ. (۱۱ - ۱۰۱۰ میلادی)، نمونه خوبی از این سبک است که هم‌اکنون



افغانستان - دولت آباد ، نزدیک
بلخ ، نوار کتیبه پایین ستاره ،
۵۰۳ / ۰۵ - ۱۰ / ۱۱۰۹ میلادی.
شمايه تصوير شماره ۵۴ کتاب
«خوشنویسی اسلامی» اثر ی. ح .
سفدی ، عکس از ژوزفین پاول ، رم .

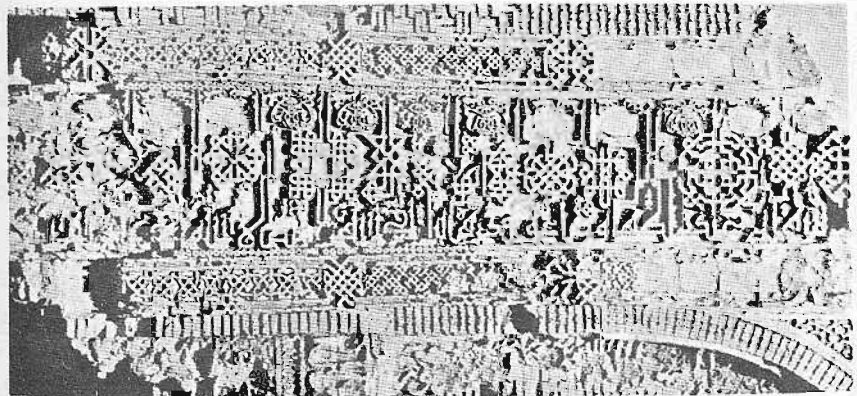


ها، منابع اطلاعاتی دیگری در
سایر رشته‌های هنری را ایجاب
می‌کند. حروف درهم و پیچیده‌ای
روی دینار نصر بن احمد از دارالضرب
محمدیه (ری)، مورخ ۳۲۴ هـ.
(۶ - ۹۳۵ میلادی)، ظاهر
می‌شوند که مشابه آنها را روی
سکه‌های نواحی شمال قلمرو
آلبویه می‌توان یافت. از این رو
نشر کوفی خمدار را، برخلاف
تزیین گلدار، باید از شرق به غرب
دانست . نمونه قدیمی کوفی
خمدار در ایران، کتیبه مقبره
ابو جعفر محمد بن وندارین در
رادکان مازندران است که به
سال ۴۰۷ هـ. (۱۰۱۷ - ۱۰۱۶
میلادی) آغاز و به سال ۴۱۱ هـ.
(۱۰۲۱ میلادی)، پایان یافته
است . نمونه خوبی از آمیختن نوع
تزیینی گلدار با نوع خمدار،
کتیبه بی تاریخ یحیی بن زید

این واقعیت و بررسی قسمت آخر
کتیبه مربوط به تاریخ بنا، تاریخ
اربعمائه (۴۰۰ / ۰۵ - ۱۰ / ۱۰۰۹
میلادی) را به دست می‌دهد که
در این صورت می‌تواند قدیم‌ترین
نوع کوفی خمدار در قلمرو غزنویان
و در نتیجه دوره سلطنت محمود
اول باشد.

در دوره غوریان، برخلاف
دوره غزنوی ، رسم الخط کوفی
حاشیه‌دار معمول بود. بنیاد این
سبک به اواخر دوره غزنوی، یعنی
سلطنت مسعود سوم (۴۹۲ تا
۵۰۸ / ۰۵ - ۱۰ / ۱۰۹۹ تا ۱۱۱۵ میلادی)

(امام خرد) در سر پل افغانستان
است که در آن از ابو عبدالله
محمد بن شادان، به ظاهر خویشاوند
ابوعلی احمد وزیر چغری بیک
سلجوقی ، یاد شده و در نتیجه
باید به چند دهه بعد از تصرف
بلخ توسط سلجوقیان، حدود سال
۴۳۳ هـ. (۲ - ۱۰۴۱ میلادی)
تعلق داشته باشد . طاق زیبای
بست نیز دارای کتیبه کوفی خمدار
است که با وجود منسوب بودنش
به قرن ششم هـ. (۱۲ میلادی)، از
جهت معماری و هنر خطاطی، بستگی
نزدیکتری با دوره غزنوی دارد.



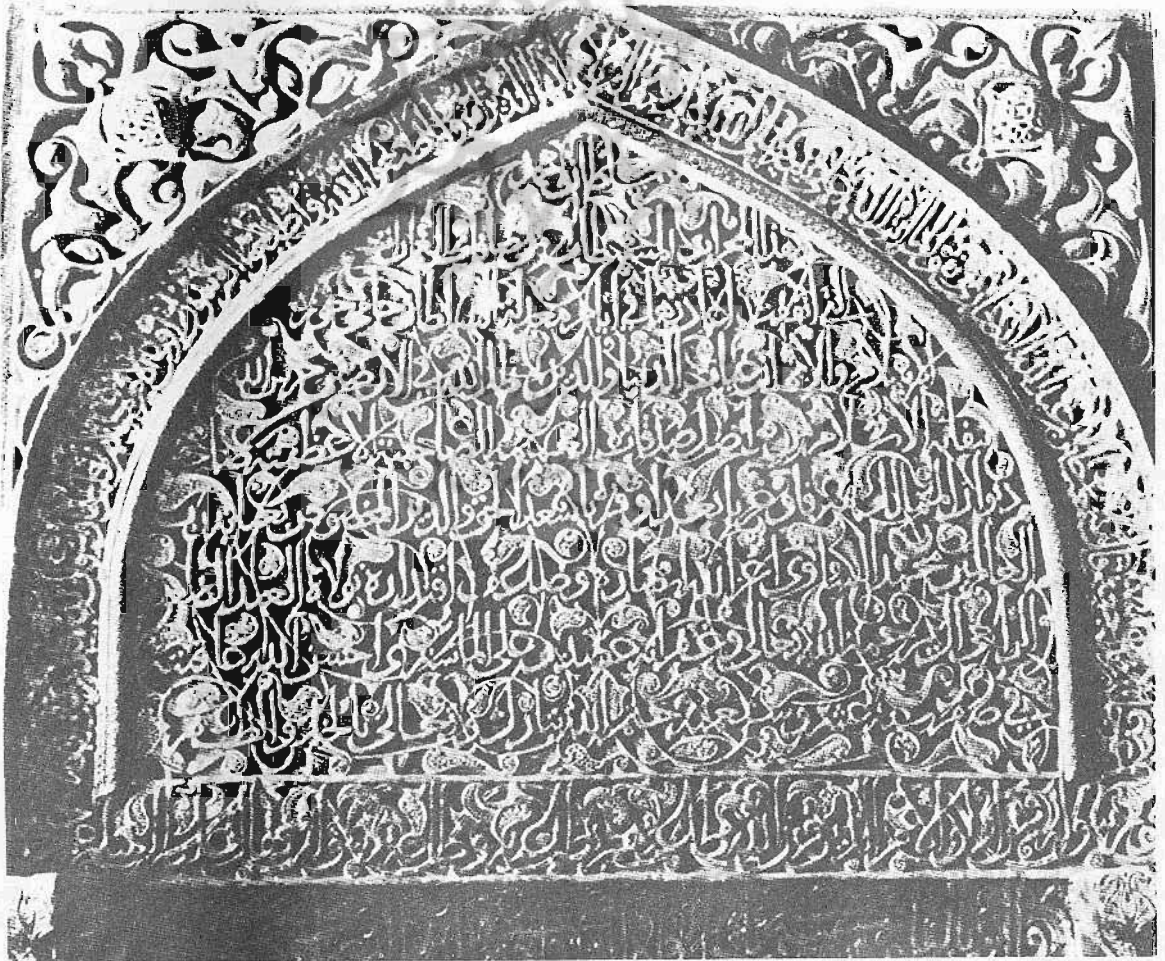
افغانستان - شاه مشهد ، مدرسه
ملکه معظمه دختر غیاث‌الدین
محمد ، اواخر قرن ششم هـ /
دوازده میلادی ، کوفی حاشیه‌دار
با اشکال هندسی. عکس از کاظمیرو-
گلاستر ، نشریه «ایست اندوست» ،
شماره ۲۱ ، سال ۱۹۷۱ ، شکل ۸.

و بهرام شاه (۵۲-۵۱۱ هـ / ۵۷-۱۱۱۷ میلادی) باز می‌گردد و شاهد آن، کتیبه‌های موجود در مناره‌های برپا شده توسط این دو حاکم است. در این سبک، حاشیه تزئینی از خود خط مستقل است، در حالی که هر دو مشترکاً در زمینه‌ای گلداز قرار دارند. پیش-قراول این ابتکار را باید در کتیبه مقبره بابا حاتم یا سالار خلیل، در اندخوی، جستجو کرد که دارای تزئینی بسیار ساده است و باید به دوره قبل از تصرف سلجوقیان منسوب باشد. این آثار به اوج

دوره غوریان تعلق دارد (اواخر قرن ششم هـ / ۱۲ میلادی) و تنوع رسم الخط، شامل کوفی منسوخ و خشک و نسخ است. به هر جهت نمونه‌های بارز این سبک، که در آن حاشیه‌های پهن تزئینی به یک ترکیب هندسی تبدیل شده‌اند، در چست و مخصوصاً شاه مشهد قرار دارند. اندکی دورتر، در غرب، در قلمرو جانشینان سلجوقیان ایران، نوعی کوفی حاشیه‌دار به چشم می‌خورد که به رسم الخط مناره غزنه شباهت دارد و مثال آن، کتیبه

نگار در استان کرمان است که کاشیکاریهای فیروزه‌ای پراکنده، آن را به سال ۶۱۵ هـ / ۱۹-۱۲۱۸ میلادی، متعلق می‌سازد. تا اینجا، همه کتیبه‌های مورد بحث ما با کلمات عربی مخلوط بودند. بمباچی (Bombaci)، که کتیبه فارسی بلند و قطعه قطعه سرسبزین کاخ مسعود (بنا شده ۵۰۵ هـ / ۱۱۱۲-۱۱۱۱ میلادی) را مورد بررسی قرار داده است، تعدادی از این کتیبه‌ها را ارائه داده و توجه ما را به متن کتیبه فارسی سنگ

ایران - اصفهان - محراب اولجایتو در مسجد جامع .





قبر سردگمنامی در غزنه جلب می‌کند. به هر حال قدیم‌ترین این نمونه‌ها، کتیبه سردر ورودی ریاط ملک در حوالی بخارا است* که به شمس الملوک نصرین تمغاج خان ابراهیم قرخانی (۹۷۱/۵-۱۰۷۸ میلادی) منسوب است. از دیگر کتیبه‌های تاریخی به زبان فارسی، کتیبه مقبره مأمونه خاتون است در نخبه جوان**؛ و مخصوصاً باید از کتیبه مقبره جلال‌الدین حسین بن الحسن بن علی قرخانی در اوژگند (۵۱۷ ۵۱۴/۵-۱۱۵۴ میلادی) یاد کرد که به خط نسخ خمدار نوشته شده و در زیر آن، پیمان‌نامه حکمران، که قسمت اعظمش به ترکی است، به کوفی حاشیه‌دار مرکب از نقوش هندسی منقور است. خواندن کتیبه‌های فارسی

ایران - امامزاده کرار، یزون، محراب گچ‌بری، مورخ ۵۲۸ هـ. / ۱۱۳۳-۳۴ میلادی. نسخ اولیه. عکس کپی شده از مبعث اسمیت، مقاله امامزاده کرار در بوزان، از نشریه ام. آی. شماره ۷، سال ۱۹۳۵، لوح ۴، شکل ۲.

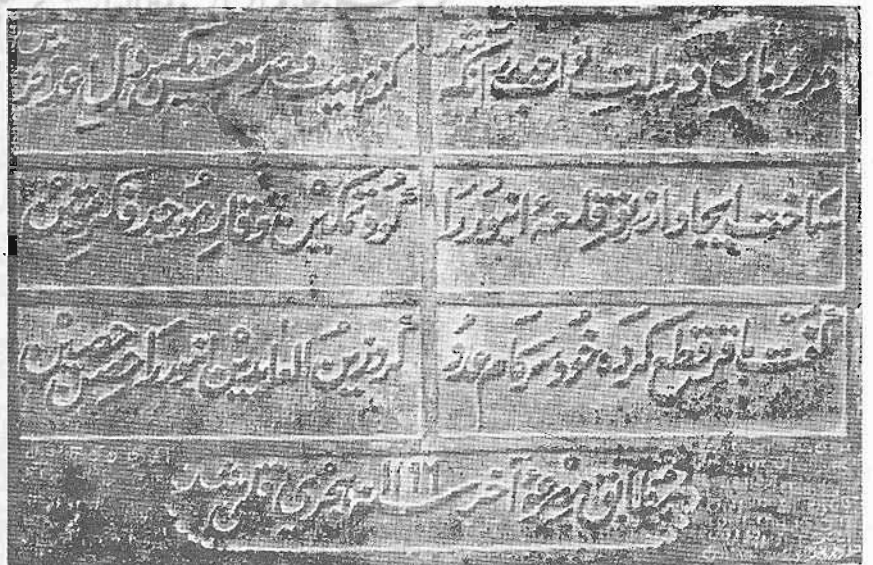
بی‌نقطه همواره مشکل بوده و تنها خط نسخ نقطه‌دار سبب به کار گرفته شدن زبان فارسی در امر نوشتن کتیبه‌های تاریخی شده است. سرانجام، رسم الخط کوفی تزئینی، هم به خاطر شکل خواننده شدن و هم به دلیل ظهور سلسله فاطمی مصر که سلجوقیان را دشمن می‌دانستند، از نظرها افتاد. خطوط شکسته، نسخ خمدار و قلم

روان و به هم پیوسته دیوانی، که همواره در کنار خطوط زاویه‌دار قرار داشت، این بار در کسوتی تاریخی ظهور کرد. متن نسخ کتیبه سنگ قبر محمود اول در غزنه، مورخ ۴۲۱ هـ. (۱۰۳۰ میلادی)، مانند درهای چوبی مقبره که دارای کتیبه‌هایی به خط کوفی است، همواره اضافات بعدی تصور شده‌اند. با وجود این، نقش اصلی را در این ابداع، غزنه به عهده داشت. کتیبه‌ای که روی صفحه‌ای از مرمر منقور و به نام سلطان ابراهیم بن مسعود است، به خاطر ترکیب کلام نمی‌تواند به دوره بعد از مرگ او

* Pope, Survey of Persian Art, pl. 272 B.

** N. Khanikoff, Memoire sur les inscriptions musulmanes du Caucase.

ایران - سیرجان - منبر سنگی از دوره احمد مظفری ، رسم الخط طغری (مشتقی از نسخ با ممتد کردن خطوط قائم) ، سوره ۷۸۹ / ۵ - ۱۳۸۷ میلادی (عکس از پل فاکس ، مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی ، دانشگاه لندن) .



هند - کتیبه‌ای از دژ اسپور ، محفوظ در سوزۀ ویکتوریا و آلبرت ، لندن . سوره ۱۱۹۶ / ۵ - ۱۷۸۱-۲ م . به خط نستعلیق ، همراه با نوشته‌هایی به خط تاملیل و بی ارتباط با کتیبه . خط آخر ، ماده تاریخی نامعلوم تشکیل می‌دهد .

تعلق داشته باشد. کتیبهٔ نسخی نیز در دندانقان، مورخ ۴۹۲ هـ. (۱۱۰۰ میلادی)، موجود است. کتیبهٔ کوچکی به خط نسخ در سنارهٔ چهل دختر اصفهان (۵۰۱ هـ. / ۹ - ۱۱۰۷ میلادی) دیده می‌شود و همچنین کتیبهٔ محمد بن سلک‌شاه در ساوه (۴۰۵ هـ. / ۱۱۱۰ میلادی) که متن اصلی آن به خط کوفی است. سنارهٔ دولت‌آباد در حوالی بلخ (۵۰۲ هـ. / ۹ - ۱۱۰۸ میلادی)، علاوه بر نواری از خط کوفی، دارای کتیبه‌ای به خط نسخ است (از نوعی که ثلثش می‌نامند). در مقبرهٔ امام کلان در سرپل، نزدیک کتیبهٔ در ورودی، خط نسخ پهنی است که متأسفانه تنها قسمتی از تاریخ آن قابل خواندن است (۹۰۰). از این به بعد است که خطوط انحنادار در کتیبه‌های اسلامی معمول می‌شوند و از این نوع است کتیبهٔ امامزاده کراردر بوزان (۵۲۸ هـ. / ۳۴ - ۱۱۳۳ میلادی) که برای هرتسفلد امکان تهیهٔ فهرستی از کتیبه‌های کوفی و نسخ شناخته‌شده تا زمان

خودش را مهیا ساخت. مدارک تازه‌ای از مدرسهٔ شاه مشهد که قبلاً نام برده شد و مقبرهٔ قروه در حوالی قزوین (منسوب به ۵۷۰ هـ. / ۸۰ - ۱۱۷۹ میلادی)، هم اکنون می‌تواند به فهرست هرتسفلد اضافه شود. در منتخبات خطوط عربی و تحقیقات جدید، اصطلاحات به خصوصی (ثلث، ریحان، رقعه و غیره) جهت تفکیک رسم الخطهای مختلف جدا شده‌اند از نسخ به کار رفته است. از آنجایی که هنوز به کار بردن این اصطلاحات در دوره‌های متعاقب متضاد بوده و طبقه‌بندی آثار همیشه یکسان نیست بهتر است تنها به اصطلاح کلی قناعت کنیم. تعداد قابل توجهی از کتیبه‌های نسخ مربوط به نیمهٔ دوم قرن ۶ هـ. (۱۲ میلادی) در ایران موجود است. بهترین تحقیق جامعی که البته دیگر مطابق با آخرین مطالعات نیست، کار تحقیقی کرچکوسکایا (Kratchkovskaya) است که در مجموعهٔ یوپ* به چاپ رسیده است. خصوصیات خط نسخ، جدا

از طومار گیاهی زمینه، همان ابداعی است که در آخرین دورهٔ خط کوفی دیده می‌شود. در دورهٔ ایلخانی و بعد از آن، خطوط متنوعی شکل می‌گیرد که به همهٔ آنها نسخ می‌گویند و بارزترین نمونهٔ قابل ذکر، کتیبهٔ الجایتو در جامع اصفهان و منبر احمد مظفری در سیرجان است که خطوط عمودی به هم فشردهٔ آن، خط طغری را در اذهان زنده می‌کند. تداول خط نسخ با تنوع و اشکال متفاوتی که هر روز نقطه و علامت مشخص‌کنندهٔ تازه‌ای به آن اضافه می‌شد تا زمان صفویه و تا دوران اخیر استوار ماند. در قرون اخیر، کتیبه‌های تاریخی، بیشتر به روش کاتبان نسخه‌های خطی نزدیک می‌شوند. بناها، علاوه بر کتیبهٔ سنگ بنا، دارای کتیبهٔ وقف با جزئیات مقرر آن هستند. به هر جهت از نظر بحث خطوط، این گونه خطها به سختی می‌توانند محل مطالعهٔ جداگانه‌ای همچون خط کوفی قرار گیرند.

* - Pope, Suvey of Persian Att, IV, 1770 - 84.

